

## به جوانان طبقه کارگر!

شما بدون شک نقشی تعیین کننده و مهم در مبارزات جاری روز دنیا و به طور اخص جامعه خود دارید. واقعیتی که برای هیچ کس قابل انکار نیست. تاریخا چنین بوده است. معترضان دهه های 20 و 30 علی العموم جوانان روز بودند. مبارزات جوانان دانشجو در دهه های 40 و 50 به رغم شدت روزافزون رکوب ها و یکه تازی تاتاریتی اختاپوس اوک، فلی از تاریخ جامعه را تشکیل می داد. دو ازمان بزرگ چریکی فدائیان و مجاهدین خلق تو ط جوانان بنیانگذاری گردیدند و در میان آتش و خون به جنگ یکی از درنده ترین دیکتاتوریهای تاریخ رمایه داری رفتند. خیل و بیع اینانهانی که از ابتدای استقرار رژیم نل کش لاملی رمایه داری جان برکف فوف ازمانهای مخالف رژیم را پُر ااختند، در زندانها شکوهمندترین این تادگی ها را به نمایش نهادند، در «قیامت ها» پرشورترین حمایه ها را آفریدند به طور غالب جوانان بودند. خیزش های و بیع کارگری 96 و 98 و بالاخره اعتراضات الاح طلبانه، رمایه آویز دو مال پیش، موم به «زن زندگی آزادی» را نل جوان طبقه کارگر راه انداخت. جنبش هایی با رویکرد ها و هدفهای گوناگون که ااختوانبندی آنها را جوانان تشکیل می دادند. مبارزات و خیزش هایی که همگی رکوب شدند و شکست خوردند. شرط هشجاری و نیاز مبرم بیداری است که بیاموزیم و شکست ها را درس کارزار موفق روز کنیم.

ما در یک جامعه رمایه داری زندگی می کنیم. جامعه ای که آحادش به دو طبقه اجتماعی متضاد و متخا م تقسیم شده اند. حدود 80 درصد، کارگر، نعتی، تجاری، «خدماتی»، کشاورزی، راه، ااختمان، معدن، بندر، نوینده، مترجم، هنرمند، راننده، معلم، پرتار، بهیاری، نظافتچی، تکنی بین، اداری همگی کارگر و فروشنده نیروی کارند. از کار خود جدا و از هر گونه دخالت در رنوشت تولید، زندگی و کار خود ااقط می باشند. مابقی نیز کارخانه دار، زمین دار، مالک شبکه های حمل و نقل، تاجر، بازاری، دولتمرد، وکیل، وزیر، امرای ارتش و پا و پلیس، مراجع دینی، احب تر ات یا بنگاه و مؤسسه متوط و عظیم نعتی، مالی، آموزشی، خدماتی در یک کلام طبقه رمایه دارند. از دهه ها پیش تا حال همین وضع را داشته ایم. در دوره تیلالی رژیم لطنتی رمایه داری نیز بعینه چنین بود. نل قبل از انقلاب طبقه ما با کار شاق و طاقت فرسا، کهکشانی رمایه ها را می آفرید و دقیقا همین رمایه آفریده او، در ملکیت طبقه رمایه دار، رنوشت زندگی، کار و تولیدش را علیه وی رقم می زد. رژیم درنده شاه ماشین اختاپوسی قدرت رمایه داری بود و کل آنچه انجام می داد، از آوارازی فقر و فلاکت و آوارگی و بی دارویی و بی درمانی و بی آموزشی و بی رپناهی بر ما تا زندان و شکنجه و اعدام و ابر بعیت ها، کلا برای بقای رمایه داری و تحمیل این بختک مخوف ضد بشری بر طبقه ما بود. رمایه بود که درباره اشتغال، معاش، آموزش، درمان، میزان حقوق اجتماعی و آزادی ها، تمیم می گرفت. ن بیب ما، بیکاری، گرنگی، محرومیت از درمان و دکتر و بیمارستان، مدرسه و دانشگاه، تبعیضات خفت آور جنیتی، قومی، رکوب فکر و اندیشه بود. طبقه ما برای تغییر اوضع خود پرچم انقلاب در دست گرفت. اما هر رابی را آب پنداشت، به جای رنگونی طلبی ضد رمایه داری در گمراهه رنگونی طلبی رمایه آویز یا تغییر الگوی دولتی رمایه قوط کرد، در همین ر تا به هر امامزاده فریب و جهل دخیل است و حال کارزارش رژیم وحشت و دهشت لاملی رمایه داری شد.

بخش های مختلف طبقه رمایه دار همیشه و همه جا بر رهام و د، مالکیت و قدرت رمایه با هم جدال داشته اند و دارند. کشمکش ها و مجادلات درونی طبقه رمایهدار همواره اعتراض و جدال توده های کارگر را در خود غرق می کند. در ایران زیر بطره لطنت رمایه، بخش و بیعی از طبقه رمایهدار به لحاظ هم در مالکیت رمایه ها، میزان ودها، به ویژه نقش در ااختار قدرت دولتی مثل قشر بالای طبقه خود نبودند و از کمتری هم مالکیت و قدرت رنج می کشیدند!! در همین رابطه منتقد و البته منتقد جیون، ت لیم، مرتجع و ماقبل قرون و طائی شاه یا رمایه داران بزرگ و شرکای امپریالیستی او بودند. اینان نیازها و انتظارات خود را لباس لامل پوشانند. لطنت پهلوی ها و شرکای امپریالیست آنها نیز در هراس مرگ از مبارزات کارگران و در رقابت با اردوگاه نیرومند رمایه داری دولتی روز که به دروغ بیرق «کمونیسم» بر بام داشت، در و بیع ترین طح دست به کار بهره برداری از کارگر تیزی و کمونیست کشی هی تریک این اپوزیسیون مذهب آویز قرون و طائی شد. شاه با تذ بیص بودجه برای دستگاه روحانیت، تدریس اجباری تعلیمات دینی در مدارس، ااخت اص گترده رادیو و تلویزیون به تبلیغ مذهب و تعظیم و تکریم شعائر دینی پرداخت، هر شب خواب امام رضا و امام زمان دید. خود را «یگانه حکومت شیعه» دنیا خواند. با این کارها و خیلی کارهای مشابه، دست این اپوزیسیون فوق ارتجاعی را در شتشوی مغزی کارگران باز گذاشت. فرستی بیار عظیم که بورژوازی درنده و بشر تیز دینمدار نیز از آن کهکشانی ترین ودها را جت و در

شرائطی که هیچ کارگری در هفت پس توی کومه تاریک مـ کونی خود یارای به زبان آوردن کلمه یـ ت را نداشت. این بخش بورژوازی رخص تا عـ لویه و مکران تا مرز بازرگان را قلمرو ازمانیابی قدرت خود باخت. در هر دیـ تان، دبیر تان، دانشگاهی انجمن لـ مای برپا کرد. تمامی کتابخانه ها را از کتب دینی پرچمدار تطابق شریعت و علم!!، همپیوندی تمدن و مذهب، «ظلم تیزی لـ مای»!!! و این نوع خزعبلات پر کرد. کارگران ایران کلا و از جمله لـ جوان طبقه کارگر زیر آوار آلترناتیویافی های ماوراء ارتجاعی پان لـ مای تی و فراوان گمراهه های دیگر، قادر به جـ تجوی راه واقعی کارزار طبقاتی خود نشدند. ریشه بدبختی ها را نه در رمایه داری که در «وابـ تگی به امپریالیـ م» جـ تندد!! به خمینی و بورژوازی منحط نبش قبر شده از گورهای کهنه تاریخ اجازه دادند تا یـ اط فریب پهن کند و وعده تقلال، حکومت عدل، حمایت از مـ تضعفین و آوردن پول نفت به رـ فره کارگران و آب و برق مجانی دهد. کارگران عاجز از اتخاذ راهبرد ضد رمایه داری به زعامت اپوزیـ یون فاشیـ تی تن دادند. این تهمت زشتی ت که گویا ما دلباختگان دین بودیم!!!. مـ لما از کورش، داریوش، انوشیروان و شاهان نفرت داشتیم اما همزمان از آخوند شیاد و مرجع دینی مزور هم به همان اندازه دوری می کردیم. حتی در اواخر دهه 40 خورشیدی بازار دین آنچنان بی رونق و کـ اد بود که فریاد روحانیت شیعه از بی دینی جوانان و مردمان و خالی بودن مـ اجد به آـ مان می رفت.

بر ما چنین گذشت و زیر فشار گمراهه رفتن ها شکـ ت خوردیم. در روز 22 بهمن 57 در حالی که کل انقلاب را با خته بودیم و زنجیر بدترین شکـ ت بر دـ ت و پایمان قفل بود، بخش عظیمی از ما غلط و جاهلانه خود را پیروز پنداشتیم!!! مشکل اما در این حد خلا ه نشد. فقط شکـ ت نخوردیم، حتی رـ وزنی از این شکـ ت نیاموختیم، هر چه بعدها انجام دادیم گواه فرو رفتن آزاد، رعب انگیز و هزاران بار بدتر از پیش ما در باتلاق رمایه آویزی، تباهی، انحطاط بود. مـ جداها را به درـ تی ترک نمودیم اما نه از ر آگاهی ضد رمایه داری که رمایه آویز و به همین دلیل یـ یار شنیع به «من و تو» روی آوردیم!!! «علمای اعلام» را به درـ تی اکابر فریب و شیادی و درندگی و جنایت و کشتار خواندیم اما نه با شعور زلال طبقاتی رمایه تیز که بالعکس رمایه آویز و قهرا به قهقرا رفتیم، تا آنجا که به فکر نبش قبر کورش و رضاخان دژخیم همتراز وحوش حاکم دینی روز رمایه افتادیم. یـ یار وقیح، خن از رمایه داری خوب و رمایه داران بشرودـ ت به میان آوردیم!!! امپریالیـ م تیزی خلقی تـ خه پیچی بورژوازی اردوگاهی را با رمایه پرـ تی مخوف و دهشت انگیز قرن بیـ ت و یکمی جایگزین اختیم!!!. مبارزه ضد امپریالیـ تی دروغین دیروز را با دموکـ تی خواهی پوشالی دها بار فریب آمیزتر امروزی و جنبش های مدنی تب مهندـ تی شده این یا آن بخش ارتجاع بورژوازی عوض، بدل کردیم.

جوانان عزیز طبقه کارگر و پروده در شرائط کار و تـ شمار طبقه خود!

مخاطب این نوشته کوتاه شماست. اگر ریح و خشن حرف می زنیم ببخشید. به قول شاعر «تا دلی آتش نگیرد، حرف جانیـ وزی نگوید» بدانید یا ندانید، حاضر به شنود باشید یا نباشید دیر یا زود یقینا خواهید فهمید که بدبختانه از گذشته، از شکـ تهای زنجیروار، کشتارها و هولوکـ ت های تاریخی آوار بر ر تـ لهای پیشین کارگر چیز چندانی نیاموخته اید، مثل لـ اف حتی بدتر ر گمراهه هـ تید. در و ذیل آرمان شما «دموکـ تی» و «حقوق بشر» و «توـ عه نعتی رمایه داری» و این نوع خرافه ها شده ت. دموکـ تی حلال هیچ مشکل طبقه ما نیـ ت. طلائی ترین دموکـ تی ها دام فریب بخش های مختلف بورژوازی برای تبدیل توده های طبقه ما به عمله زبون و ذلیل تـ ویه جـ اب های درونی خود و لـ اجماع آنها علیه ما ت. بیهوده نیـ ت که ترامپ، نتانیا هو، مافیای رضا پهلوی، مجاهدین خلق شورای مقاومت، تمامی اپوزیـ یون های ورشکـ ته رـ ت و چپ ایرانی، همگی بیرق افرازان خت کوش دموکـ تی و یـ ینه چاکان دین و دل باخته زعامت مبارزات دموکـ تی طلبانه می باشند. دموکـ تی خواهان فریاد ر می دهند که «حکومت مردم» کلید حل هر مشکل ت!! کارگران و احبان رمایه، هر دو دارای یک رأی هـ تند!! برابری کامل حکمفرما ت!! این کثیف ترین دروغ تاریخ زندگی بشر ت.

کدام رأی برابر؟؟؟ کدام حقوق مـ اوئی؟؟؟ کدام حق و حقوق اجتماعی و انـ انی؟؟؟ بی شرمی نیز حدی دارد. کارگر موجودی جدا شده از کار خویش و لـ اقط از هر نوع دخالت در رنوشنت تولید و زندگی خود ت. او برده مزدی محروم از هر مقدار آزادی واقعی، مطرود از کمترین حق انـ انی ت. آنچه او به «ندوق رأی می اندازد» نه «رأی» که تـ لیم مطلق اراده، اختیار، حقوق، آزادی و همه چیز خود به مشتی وحوش حاکم رمایه دار ت. او فروشنده نیروی کار ت و با فروش نیروی کار، بیش از 90 در د کار و تولیدش را از دـ ت می دهد. 10 یا 5 یا 3 در د باقی مانده را نیز فقط به این دلیل دریافت می کند - اگر بکند!! که نیروی کارش را نه برای خودش،

بلکه فقط برای سرمایه دار بازتولید کند و آماده فروش مجدد، آزد، موقعیت، مکان و موضوعیت هتی و زنده بودن کارگر در جهان سرمایه این است. رأی دادن او نیز دقیقاً رأی دادن به حقانیت این نظام است. بشریت وز آکنده از توحش، بربریت، هولوکت است!! شما را این را برابری، آزادی، حق نام می گذارید؟؟!! اگر این کار را نمی کنید!! چرا زبان به تائیس دموکرسی باز کرده و عاشق سینه چاک دموکرسی هتید؟؟!! مگر نه این است که «حق رأی برابر کارگر و سرمایه دار»!!! مانفیت مجلل اعلام هویت دموکرسی، طلائی ترین، مشعشع ترین دموکرسی ها است؟؟!! کارگر از این دموکرسی تیخه پیچی ارتجاع هار و تباه بورژوازی و مورد تقدیس و تائیس حمایه انگیز شما قرار است چه چیز به دست آرد؟؟!! یک وال بنیادی و حیاتی از شما این است که اولاً ر و زنی در باره جوش و خروش پرغلیان دموکرسی خواهی، مدنیت پردازی، کمپین های حقوق بشری خود فکر نموده اید؟؟!! پخ شما آری باشد یا نه؟ به یک اندازه فاجعه آمیز است. اگر آری طوق عملگی و پیاده نظامی سرمایه داری بر شعور خود دارید، اگر نه! تیخجیده و ناآگاه عمله تیخیر قدرت اپوزیسیون های بورژوازی شده اید و عزم جزم کرده اید تا توده وسیع کارگر، پدران و مادران و همرنجان و همرنجیران خود را هم به همین لجنزار وق دهید!!؟

عباره کلام ما به عنوان افرادی کارگر به شما فرزندان و جوانان طبقه خویش بیار ر، لال، برطنین آن است که دموکرسی و جارجال جنبش مدنی، «زن، زندگی، آزادی»، کمپین های بز، بنفش، زرد، آبی، دخیل بندی به این و آن اپوزیسیون ر و ای بورژوازی، ایران، ایران گفتن و ترنم وطن، وطن، نه فقط هیچ آبی بر آتشفشان مشتعل در حال بلع هتی ما نمی باشد که فقط به اشتعال افزونتر و انفجار آمیزتر آن کمک می راند. مشکل طبقه کارگر ایران با دموکرسی، انحلال شورای نگهبان، برچیدن ولایت فقیه، «انتخابات آزاد»، حقوق بشر بورژوازی نه فقط گشایشی نمی یابد که تیخوش کمترین تقلیل هم نمی شود. ریشه فقر، فلاکت، بی رپناهی، گرگی، آپارتاید جتی، آلودگیهای زیست محیطی، محرومیت رعب آور از دارو و درمان، آموزش، وجود دیکتاتوری، زندان، شکنجه، اعدام در موجودیت سرمایه داری است. تا نظام بردگی مزدی مقرر، متولی، باقی است کل اینها وجود خواهد داشت. حتماً خواهید گفت چنین نیست!! اروپا، امریکا، کانادا هم سرمایه داری هتند اما توده کارگر نان دارند، مدرسه و دکتر و دارو دارند، اعتراضشان مثل این جا رکوب نمی شود، در یاهچال ها نمی پوند و راهی جوخه های اعدام نمی گردند. این نکات ظاهراً دروغ نیستند، ظاهراً حقیقت دارند، معضل بنیادی آن است که فقط نیمی از حقیقت هتند و نیم حقیقت به طور معمول مخوف ترین دروغ است. انگاره های شما نیز م داق بارز و عریان همین حقیقت نیمه و لاجرم دروغ وحشت زا است. چند کشور اروپای غربی و شمالی به عنوان م ادیق آشنا، ائب و شهیر ادعایتان در یک شرائط معین تاریخی به قبول برخی ها خود است ها و انتظارات طبقه کارگر پخ م اعد دادند. شما این را دیده، خوانده اید، شنیده اید، قبول کرده اید، در ر عالم جار زده اید، آن را چراغ راه کارزار خود نموده اید. این کارها را انجام داده اید اما هیچ گاه برای چند دقیقه خود را ملزم به کالبدشکافی آگاهانه، کارگری، ایانی، طبقاتی و رهائی طلبانه موضوع نکرده اید. طبقه سرمایه دار چند کشور اروپای غربی، شمالی وقتی این کار را انجام داد که 1- جنبش کارگری قاره با شکوفائی پرشکوه و طغیان آمیز تاریخی، ایانی، رهائی طلبانه، ضد سرمایه داری، ناقوس مرگ نظام بردگی مزدی را به دا در آورده بود. 2- سرمایه داری این کشورها به یمن دور نامتناهی سرمایه به ای نقاط عالم، موقعیت م لظ در بازار جهانی، قدرت رقابت ای و نگر، نقش فائق در فرایند تشکیل قیمت ها و نرخ ودها، تیلا بر ذخائر زیرزمینی دنیا عظیم ترین هم اضافه ارزش های بین المللی حاصل تننمار کل کارگران جهان را به وی خود رازیر می باخت. سرمایه داران ممالک مذکور در شراکت با دولت ها، تر است ها و سرمایه داران ایانی، امریکای لاتینی، افریقائی، هر کجای دیگر، فشار تننمار میلیاردها کارگر را مرگبار و غیرقابل تحمل می باختند. آنها رفا به اتکاء تیلا بر چنان اقیانوس های پرخروش اضافه ارزش بود که حاضر شدند فقط درهم و دیناری از شدت فشار تننمار کارگران «جامعه خودی»!! بکاهند. یک بار دیگر تأکید کنیم که آنها حتی همین کار را در رفا در موقعیتی تن دادند که بقای سرمایه داری و عمر سرمایه دار بودن خود را در خطر حتمی می دیدند. کل آنچه در تاریخ زیر نام جامعه رفاه، حقوق بشر، دموکرسی جنجال شده و می شود همین بوده است. چیزی که الها است در حال رفتن به بایگانی تاریخ است. سرمایه داری قرن بیست و یکم، سرمایه داری انفجار بحران های رشتی سرمایه، سرمایه داری آتشفشان تناقضات ذاتی نظام بردگی مزدی، سرمایه داری هجوم بی امان به آخرین بازمانده های نان خالی توده های کارگر و تبدیل آن به ود سرمایه و طبقه سرمایه دار است. شما این ها را اندیشه نکرده یا عمیقاً و از منظر آگاه طبقه خود تعمق ننموده اید و باور ندارید، دموکرسی ناروی فریب سرمایه برای تعطیل مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری توده های کارگر است. با این وجود دموکرسی برای بورژوازی کم یا بیش

هزینه دارد. رمایه داری جهانی دیری است که زیر مهمیز مرگرای بحران ها، نه حاضر و نه قادر به تحمل این هزینه ها است. دقیقا به همین دلیل هم به جای دموکراسی به طور بی امان فاشیسم می زاید، تا چشم کار کند زاد و ولد فاشیستی می کند، چرخه تولید فاشیسم آن دقیقه ای متوقف نمی شود. رژیم اسلامی، لوین، بن لادن، کریستیان اشتراخه، ابوبکر بغدادی، ترامپ، بوکوحرام، تینو کروپلا، احمدالشرع، جیمی اکون و مانند اینها متولد می کند. در همین جا بر این نکته بیار بنیادی نیز با بیشترین آگاهی آزار و رزیم که تور تمایز و تفاوت میان این وحوش با رقبای و شرکای دیگرشان، با خاتمی ها، مکرون ها، اوباماها، بایدن ها، پوتین ها، شی ها، تارمرها، توهمی عمیقاً پوشالی، چندی بار و تا مغز استخوان گمراه کننده است. کل این ها را و ته یک کربلاند. همگی پیرکفتاران و گرازان هار پا دار نظام بردگی مزدی می باشند. در و ذیل موجودیت و نقش بازی تمامی آنها رریز بازی هر چه مخوف تر بحران های توفنده و ویرانگر رمایه داری بر هست و نیست طبقه کارگر، جنگ علیه کارگران دنیا با هدف بقای بردگی مزدی است.

## جوانان طبقه کارگر!

شالوده هستی رمایه داری بر تحمیل ناحقی مطلق علیه 80 درصد کنگه کارگر زمین، لب مطلق آزادی این 80%، محو کامل اختیار، ویمباران هر شکل اختیار آزاد اکثریت غالب بشر، بر اقاط نمودن طبقه کارگر جهانی از هر نوع حق دخالت در تعیین رنوشت کار، تولید، زندگی توار است. چرا به خود اجازه می دهید رابطه تولید اضافه ارزش، منببات کار مزدی، را رابطه آزاد و برحق انسانی قلمداد کنید؟؟ وقتی از تقرار دموکراسی سخن می رانید جز این است که همین جهنم بشرکش را با تغییر الگوی فریب آمیز حکومتی اش، پارادیس آزادی و حقوق انسانی می خوانید!! آیا این ایفای نقش عملگی رمایه داران در تحمیل نظام بردگی مزدی بر کارگران و شراکت م تقیم در ماندگار آزادی ناحقی مطلق، آزادی کشی مطلق، اختیار و انتخاب کشی مطلق انان نیست؟؟ پدران و مادران کارگر شما در جهنم رمایه داری ایران، از کل روزانه کار 8 تا 16 ساعتی خود، در بهترین حالت، با فرض داشتن مهارت، تخصص فقط 5 تا 15 درصد را برای خود کار می کنند، مابقی 85 تا 95 درصد رمایه طبقه رمایه دار و دولت اختاپوسی رمایه داری می گردد. در نقطه، نقطه دنیای رمایه داری تا جایی که به تننمار، شدت تننمار رمایه مربوط است همین وضعیت، بعضا با اندکی تفاوت م تولی است. در طلائی ترین دموکراسی ها، «جوامع رفاه»!! هم شدت تننمار رمایه انفجار آمیز است. شما با کدامین ملاک انسانی!! نام این بعیت را حق و آزادی می گذارید؟؟!! انتظار ما این است که چنین نکنید. این راه نیست، تاریکی زار بی راهه ها است. هیچ نشانی حتی از احقاق کمترین حقوق انسانی و آزادی های اولیه بشری نیز ندارد. به جای آن راه واقعی کارزار ضد رمایه داری، ضد رچشمه کل تننمار، به روزی ها را پیش گیرید. مدافعان خت کوش رمایه داری به طور خاص طیف چپ نمای جماعت زیر مهمیز بی مایگی از یک و، تعبات افراطی ملکی از وی دیگر همواره، در همه دوره ها تلاش کرده اند سخن از مبارزه ضد رمایه داری را مهر اتویی کوبند!! آنها کشیش تر از پاپ، راریمه تر از پلیس و ارتش بورژوازی باط تهمت پهن می کنند که: «لغو کار مزدی ها» مبارزه کارگران برای معاش، رفاه، نان را مطرود می شمارند!!، فقط فرمان نابودی رمایه داری می دهند!! آنها می توانند تا قیامت در بیمایگی و تعب مرامی خود غلت خورند اما حرف ما ضد القانات دروغین آنان است. بنمایه و تخوانندگی کلام این است که مبارزات روزمره ما باید ماهیت، جهت، مضمون، افق و بار ضد رمایه داری احراز کند. تنها از این طریق است که گام به گام مطالبات معیشتی، رفاهی، درمانی، آموزشی، زیست محیطی، آپارتاید تیزانه، حق طلبانه و آزادیخواهانه خود را بر طبقه رمایه دار و دولتش تحمیل خواهیم کرد، با اتخاذ این ریل است که می توانیم رمایه داری را گام به گام در یکایک نگرها، با عبور از دنیای پیچ و خم ها شکست دهیم و رانجام نابود ازیم. مبارزه ضد مزدبگیری احباس فروشی عده ای آرمانخواه نیست. رویکرد ضامن ادغام همگن، بالنده، پیروزی آفرین مبارزات جاری روز با جنگ رهائی انان است. عباره کلام این است که همین امروز هر کجا هستیم، در تمامی حوزه های کارزار فریاد ر دهیم که:

1 - خوراک، پوشاک، مکن، آب، برق، گاز، وائل خانه، آموزش، دارو، درمان، ایاب و ذهاب، بهداشت باید از بیطره داد و تدپولی، کالائی رمایه داری خارج گردد. مکن با امکانات لازم حق م لم هر فرد است، هر انان، خانوار، افراد همزی این حق را خواهند داشت که با رجوع به مراکز توزیع موجود، کل مایحتاج معیشتی، رفاهی خود را به میزان مکفی، بدون هیچ محدودیت، دریافت کنند.

2 - هر شکل دخالت دولت در امور زندگی افراد از پوشش، ازدواج، تفریح، روابط زن و مرد تا فرهنگ، باور، بیان اندیشه، اعتراض، تشکل، فعالیت های پلی، اجتماعی باید متوقف گردد.

3 - کاهش و چالش آپارتمان‌جینی‌یتی در گرو کارزار علیه رمایه و نابودسازی مکانی‌م‌های آفریده رمایه برای تشدید وحشیانه تثمار و چند برابر سازی تمکشی، فرودتی زنان ت. کار خانگی در زمره مهم ترین این مکانی‌م‌ها ت. حجم کار خانگی میلیونها زن در شکل پرورش نیروی کار، نگهداری کودکان، معلولان، بیماران، پیران، کلفتی خانه رمایه داران، آشپزی، خیاطی، کار بدون هیچ مزد ت که به ترف طبقه رمایه دار، دولت رمایه در می آید. این کار اضافی عظیم از یک و رود و رمایه داران را پرورش و از وی دیگر میلیونها زن و دختر را به باتلاق تباهی، فرودگی، بیماری، آپارتمان‌جینی‌یتی، محرومیت از آموزش، رشد، امکانات اجتماعی می اندازد. بطا این نوع کار را باید از طریق رایگان سازی کل مایحتاج معیشتی، رفاهی اتانها در هم پیچید. هر شکل وابستگی اقتصادی زن به هم و فرزند به والدین را باید از بین برد. اگر بنات گامی در راه چالش آپارتمان‌جینی‌یتی برداشته شود باید از اینجاها آغاز کرد.

4 - ریشه کل آلودگیهای زیست محیطی در چرخه تولید و ارزش افزائی رمایه قرار دارد. راه مبارزه با آلودگیهای زیست محیطی تعطیل کل تولیدات، فضولات، آفت کش ها، همه مواد و مصالحی که رمایه با هدف کاهش هزینه کشف، تخراب، بهره برداری، نگهداری کالا، کاشت، داشت، برداشت محولات زراعی، امان پذیری، فروش فرآورده های نعتی به کار می گیرد.

5 - برای تحمیل مطالبات بالا بر طبقه رمایه دار و دولتش باید رری، شورائی، ضد رمایه داری متحد و متشکل گردید. باید یک جنبش ازمان یافته شورائی ضد کار مزدی برپا کرد. جنبشی که نگر پیکار روز، مدرسه آگاهی، آموزش، بلوغ اتانی، تجلی بالندگی تاریخی، دخالتگری خلاق، نافذ، شورائی، برابر اتانها در تعیین رنوشت کار، تولید، زندگی و تدارک و بیع و جامع بشر برای رهائی فرجامین خود باشد.

### جوانان طبقه کارگر!

وقت آن ت که رمایه از روی تنه کارگری خود بردارید. بطا دموکراسی خواهی و جنبش های مدنی را جمع کنید و به باتلاق تاریخ اندازید. آماده کارزار ضد بردگی مزدی شوید. اینجا ت که تاریخ منتظر و نیازمند عروج پردرخشش شما ت. طبقه ما بدون حضور آگاه، میداندار، اثرگذار شما جوانان قادر به رهائی خود نیست. این واقعیت دارد. حتی یک لحظه درنگ جایز نیست. درون خانواده ها، در محیط کار، در مدرسه و دانشگاه، در هر کجا که هتید با پدران و مادران کارگر خود گفتگو کنید. از آنها بخواهید که عزیمت از همیشه کارگر ماندن و فروشنده نیروی کار بودن را کنار گذارند، در مبارزات روز خود، از خودت لطف بر رنوشت کار، تولید، زندگی خن رانند. ت به کار ازمانیابی شورائی رری ضد رمایه داری خود شوند. یک جنبش نیرومند شورائی ضد بردگی مزدی بر پا دارند. با قدرت این جنبش مطالبات روز را بر احبان رمایه و دولت تحمیل کنند، با این جنبش، زیر این بیرق تا نابودی کامل رمایه داری و رهائی واقعی اتان پیش تازند.

کارگران ضد رمایه داری